



امامی که با بخشش و رافت در شرایط خفقان دین را زنده نگه داشت

سالروز ولادت مسیح مناجات است. امامی که با حرکت خود شیوه تازه ای در رفتار شیعه آفرید.

سالروز ولادت مسیح مناجات است. امامی که با حرکت خود شیوه تازه ای در رفتار شیعه آفرید.

از مجموع روایات اهل سنت و شیعه درباره زندگانی امام در مدینه برمی آید که آن حضرت در مدینه بسیار موقر و محترم بوده است و همه به علو مقام و حسن خلق و رفتار و علم و تقوای آن حضرت اذعان داشته اند. امام سجاد(ع) بعد از شهادت پدر بزرگوارش در کربلا به امامت رسید و ۳۴ یا ۳۵ سال امام شیعیان بود.

از همه کریم تر و بخشنده تر و با وفاتر و بیش از همه دلسوز فقیران و پناه درماندگان بود. روز عید فطر همه بندگان خود را آزاد می کرد. با یک ناقه ۲۲ بار حج گزارد و حتی یک تازیانه بر او نزد و دستور فرمود آن شتر را بعد از مرگش دفن کنند.

قصیده معروف فرزدد در شان امام سجاد

معروف است که هشام بن عبد الملک در زمان خلافت پدرش عبد الملک یا برادرش ولید به حج رفته بود. چون در موسم حج خواست تا استلام حجر کند موفق نشد زیرا مردم زیاد بودند و ازدحام می کردند. در این میان علی بن الحسین رسید و به طواف مشغول شد و چون به حجر الاسود نزدیک شد همه به او راه دادند و به جهت مهابت و جلالت قدر او اجازه دادند تا او استلام حجر کند.

هشام در خشم شد. مردی از او پرسید که این شخص کیست؟ هشام با آنکه او را می شناخت گفت او را نمی شناسد، زیرا می ترسید مردم شام به او میل پیدا کنند. فرزدد شاعر بزرگ عرب به مرد شامی گفت من او را می شناسم و چون او پرسید که او کیست فرزدد در پاسخ او مرتجلا قصیده معروف خود را انشا کرد و در آن گفت:

هذا ابن خير عباد الله كلهم • هذا التقى النقى الطاهر العلم...

و ليس قولك من هذا بضائره • العرب تعرف من أنكرت والعجم

یعنی: این پسر بهترین بندگان خداست. این پرهیزگار پاک و عاری از هر عیب و معروف خاص و عام است.

سخن تو که او را نمی شناسم زبانی به او نمی رساند. آن را که تو گفتی نمی شناسم همه عرب و عجم می شناسند.

شرایط خفقان حکومتی در عصر امام چهارم

اقتدار حکومت های جبار و ظالم عصر، نظارت شدید و سختگیری های بسیار بر مخالفان سیاسی به ویژه شیعیان، سرکوبی قیام ها با کشتارهای بی رحمانه، جهالت سیاسی و مذهبی مردم، شیوع بی دینی و مفساد اخلاقی، و قلت یاران و مجاهدان واقعی، از جمله موانعی بودند که نگذاشتند امام سجاد (ع) به صورت مسلحانه قیام کنند.

مردم مسلمان عصر امام به علت تبلیغات و فعالیت های سیاسی و فرهنگی حکومت های نامشروع در برابر حقایق سیاسی و مذهبی در نهایت جهالت و بی دینی به سر می بردند. بدعت ها و عقاید گمراه کننده و باطل به عنوان احکام و عقاید مذهبی، مورد اعتقاد و عمل مسلمانان قرار گرفته بود.

در چنین شرایطی، بزرگترین و مهمترین مسئولیت امام سجاد علیه السلام، احیای مجدد اسلام ناب محمدی (ص)، تبیین جایگاه امامت و رهبری اهل بیت علیه السلام، مبارزه با جهالت سیاسی و مذهبی مردم و تربیت مجاهدان واقعی بود.

امام می باید در برابر حقایق سیاسی اسلام روشنگری می کردند بویژه که درباره امامت و رهبری و افشاگری علیه حکومت های غاصب و ظالم و ترویج فرهنگ جهاد و شهادت لازم بود که شیعیان و مسلمانان را برای مبارزه و جهاد علیه ظلم، بدعت و گمراهی آماده می ساختند. آن حضرت موفق شدند که در سخت ترین شرایط و با استفاده از ظریف ترین شیوه های تبلیغاتی و مبارزاتی، در اهداف خویش موفق و پیروز شوند.

در این موقعیت، امام سجاد برای تبیین معارف اسلام و برپا داشتن شجره اسلام، از سلاح دعا استفاده کرد و بذر معنویت پاشید تا در موقعیت مناسب ثمر دهد. نیاز امت در آن هنگام، سخن و یا اشعار کینه برانگیز و عواطف لحظه ای و زودگذر نبود، بلکه به یک نظریه کامل و انقلابی نیاز داشته است. امام زین العابدین این نظریه را تنها در صحیفه سجاده که چکیده اصول تربیتی امام است تبیین نکرده، بلکه خود امام زبور ناطق بوده است. عنوان صحیفه دعا و نیایش است، اما از موضوعات مبارزاتی و سیاسی در دعاها تهی نیست.

نقش امام در تربیت موالی

"موالی" به عده ای از ایرانیان که به عراق آمده و در آنجا با تشیع آشنا شده می گفتند. این افراد عمدتاً به علت داشتن استعداد مناسب و نیز آمادگی کسب علم و نیز با احساس ضعفی که در برابر عرب ها داشتند و درصدد بودند که آن را جبران کنند، به خوبی در زمینه حدیث کار کردند و در نتیجه توانستند در مدت زمانی کوتاه از فقها و محدثین مراکز عمده اسلامی شوند. این افراد در خانواده های مختلف عرب، تربیت شده بودند که طبعاً انگیزه های سیاسی و مذهبی جاری و مرسوم در آن قبایل و عشیره ها، به اینان نیز سرایت کرده بود، به ویژه کوفه که بیشتر گرایش شیعی داشت و "موالی" آن نیز چنین بودند، از این رو

اهل بیت نیز از این ویژگی برای تربیت موالی استفاده کردند.

در این میان، سیاست علی بن الحسین (ع) شایان توجه بسیار است. امام می کوشید تا در مدینه، با تربیت "موالی"، راه را برای آینده باز کند و اسلام صحیح و سلیم را به آنان (که زمینه کافی داشتند) انتقال دهد، پس با شخصیتی که امام داشت به شایستگی می توانست در روحیه موالی اثر بگذارد و احساسات شیعی را به آنان انتقال دهد.

استاد "سید جعفر مرتضی" در تشریح سیاست های امام سجاد(ع) و به منظور بخشیدن حیاتی نوین به مکتب جعفری، اشاره به این نکته دارد که آن حضرت غلامان را می خرید و آنان را آزاد می کرد، به طوری که به نوشته "سید الاهل"، غلامان این مسئله را دریافته، شور و شوق فراوانی داشتند که مشمول اقدام امام شوند. امام نیز در هر سال و ماه و روز و به مناسبت هرحادثه، آنان را آزاد می ساخت. به طوری که در مدینه قریب به یک لشکر از موالی آزاد شده و کنیزکان رهایی یافته، به سر می بردند که تمامی آنها از موالی امام سجاد علیه السلام بودند. و شمار آنها به 50 هزار تن یا بیشتر می رسید. مؤلف "اعیان شیعه" نیز می نویسد: او سودانیان را می خرید، حال آنکه هیچ نیازی به آنان نداشت.

استاد "سید جعفر مرتضی" پس از ذکر این مطالب نتایج متعددی از این مسئله می گیرد و می نویسد: یعنی نتیجه چنین سیاستی، این بود که موالی، نمونه های انسانیت و اسلامیت به شمار می رفتند و آمادگی کامل داشتند تا در شرایط گوناگون در کنار آنها قرار بگیرند، شواهدی نیز وجود دارد که نشان می دهد "موالی" در مواقعی که علویین مورد ظلم قرار می گرفتند و یا بعضی از حکام به آنها ستم می کردند، به یاری آنها می شتافتند.

شخصیت علمی امام سجاد

امام سجاد درباره الهی بودن علم ائمه و گستردگی دامنه آن می فرماید: محمد صلی الله علیه و آله براستی امین خداوند در زمین بود و چون به ملاقات حق شتافت، اهل بیت او، وارثان وی و امینان خدا در زمین شدند. علم منابا و بلایا، نسب عرب، طهارت مولد آنان، نام شیعیان و نام پدران ایشان نزد ماست. ما برگزیدگان خدا و اوصیای پیامبریم و از هر فرد دیگر، به قرآن و دین سزاوارتریم. در مراتب عالی علم قرار داریم و علوم همه انبیاء نزد ما به ودیعت نهاده شده است.

به هنگام رحلت امام سجاد علیه السلام، زمانی که آن حضرت در بستر بیماری قرار داشت گروهی از شیعیان برای عیادت آن حضرت به حضور وی می رسیدند. در حضور آن جمع، امام سجاد علیه السلام رو به جانب فرزندش باقرالعلوم علیه السلام کرد و فرمود: این صندوق را نزد خود حفظ کن، در این صندوق طلا و نقره ذخیره نشده، بلکه در آن مجموعه ای از دانش هاست. آنچه در ادوار بعد از زبان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام درباره معارف دین و فقه و تفسیر عقاید و اخلاق و... صادر شد تمامی مطالبی است که در نزد امام سجاد علیه السلام وجود داشت و از آن حضرت به سایر امامان بعدی منتقل گردید. ولی آن امام و پیشوای صالحان، کمتر فرصت یافت تا علوم خویش را در محافل علمی و! برکسی استادی به شاگردانش ابلاغ کند. با این حال هیچ کتابی را در زمینه زهد و نیایش و موعظه نمی توان یافت، جز این که سخنان و نیایش های امام سجاد علیه السلام زینت بخش آن است.

دانش و فضایل امام سجاد علیه السلام چیزی نبود که فقط دوستان و شیعیان بدان معتقد باشند بلکه حتی منکران مقام ولایت و نیز معاندان خاندان رسالت در مواردی به ناگزیر سر تعظیم در برابر کمالات ایشان فرود می آورند. چنان که عبدالملک مروان در پاسخ نامه امپراطور روم درماند و چاره را در آن دید که نظر امام سجاد علیه السلام را درباره آن جویا شود و پاسخ آن حضرت را به امپراطور روم بنویسد.